مناسبت

## عملیات مرصاد و ذلت ابدی برای منافقین

منافقین از مدت‌ها قبل و حتی پیش از آن که به اصطلاح، وارد فاز مسلحانه شوند، با رژیم بعث عراق همکاری داشتند و با این همکاری، زمینه شهادت و اسارت بسیاری از هموطنان خود را فراهم کردند. افزون بر این، بخش مهمی از ۱۷ هزار شهید ترور نیز، نمایی از وسعت جنایات این گروهک را به نمایش می گذارد. در خردادماه سال ۱۳۶۵، در اوج درگیری های جنگ تحمیلی، مسعود رجوی رسماً وارد خاک عراق شد و با صدام دیدار کرد. به این ترتیب، چهره کثیف منافقین در انظار عمومی ملت ایران، بیش از پیش پلیدی خود را نمایان کرد. این مسئله با آغاز هجوم‌های گردانی منافقین، به عنوان بخشی از بازوی نظامی رژیم بعثی عراق، دنبال شد. از آذرماه سال ۱۳۶۵، منافقین در کنار نیروهای صدام و علیه ایران و ایرانی، می جنگیدند و خون جوانان این مرز و بوم را بر زمین می‌ریختند. آن‌ها حتی لباس نظامی خود را هم با افسران بعثی هماهنگ کرده بودند. اما پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۲۷ تیرماه سال ۱۳۶۷، زنگ خطری برای خائنان بود؛ آن‌ها می ترسیدند که دیگر برای صدام کارایی نداشته باشند و به این ترتیب، موقعیتی را که از رهگذر خیانت به ملت ایران و به شهادت رساندن بهترین جوانان این مرز و بوم به دست آورده بودند، از دست بدهند. به این ترتیب، نقشه کودکانه و ابلهانه‌ای به نام عملیات «فروغ جاویدان» ریخته شد تا به زعم سران منافقین، تهران فتح و کار نظام مردمی جمهوری اسلامی، یکسره شود؛ تحلیل های توهم‌آمیز مسعود رجوی، نیروهای جَوْزده و سرسپرده او را به مسلخی کشاند که برایشان باورنکردنی بود. آن‌ها که با پنج هزار نیرو و ادوات زرهی متوسط، با خط سیر مستقیم، قصد حرکت به سمت تهران را داشتند، در تنگه چهارزبر، چنان در گل فرورفتند که بیرون آمدن از آن منجلاب، برای بسیاری از آن‌ها ممکن نشد. روز پنج مردادماه ۱۳۶۷، منافقین در تنگه چهارزبر، مقهور رشادت سربازان دلیر ایران شدند. دو هزار نفر از فریب‌خوردگان و همراهان رجوی در این عملیات بر خاک مذلت افتادند و از بین رفتند؛ ذلتی ابدی برای منافقینی که به ملت خود پشت کردند و دست دشمنان این آب و خاک را افشردند.

تاریخ اروپا

## افشاگری‌های برادرزاده هیتلر درباره او
## آیا پیشوای نازی‌ها یهودی بود؟!

یکی از رازهای زندگی خانوادگی آدولف هیتلر، مربوط به ازدواج دوباره پدر او، پس از درگذشت مادر آدولف است. آلویس هیتلر، برادر ناتنی آدولف، حاصل ازدواج مجدد پدر آن‌هاست؛ برادری که آدولف هیچ‌گاه نتوانست با وی رابطه حسنه‌ای داشته باشد و حتی در کتاب «نبرد من» نیز، نامی از وی به میان نیاورد. اما قصه آلویس هیتلر در همین‌جا تمام نمی‌شود. او سال‌ها قبل از جنگ جهانی دوم، به انگلیس رفت و خانواده تشکیل داد؛ اما نزد آن‌ها نماند و دوباره به آلمان بازگشت. آلویس، صاحب پسری بود که نام وی را «ویلیام پاتریک» گذاشتند. ویلیام پاتریک هیتلر در سال ۱۹۱۱ در لیورپول به دنیا آمد و در جوانی، مدتی به ایرلند رفت. در سال ۱۹۳۳، ویلیام به آلمان بازگشت؛ آن هم درست هنگامی که عموجانش داشت قدرت را قبضه می کرد. آدولف هیتلر برای او شغلی دست و پا کرد؛ اما ویلیام که از این کار راضی نبود، او را تهدید کرد که اسراری ناگفته از خانواده را افشا خواهد کرد. هیتلر او را به کار در کارخانه خودروسازی گماشت و اواخر دهه ۱۹۳۰، از ویلیام خواست تابعیت انگلیسی خود را ترک کند؛ اما او قبول نکرد و باز هم از هیتلر باج خواست. آدولف که حالا پیشوای آلمان بود، ویلیام را به حال خود رها کرد و او هم از آلمان گریخت و یکراست سر از انگلیس درآورد و در مقاله‌ای با عنوان «چرا از عمویم متنفرم؟» به پیشینه تاریخی خاندان هیتلر پرداخت و او را یهودی‌زاده معرفی کرد! درست هنگامی که ویلیام و مادرش برای یک سخنرانی عمومی به آمریکا رفته بودند، جنگ جهانی دوم آغاز شد. هیتلر جوان در آمریکا گیر افتاده بود و به همین دلیل از دولت این کشور خواست به وی پناهندگی بدهد. آمریکایی‌ها که این کار را برای فعالیت‌های تبلیغاتی خود مناسب می‌دانستند، به برادرزاده هیتلر تابعیت دادند و در سال ۱۹۴۴، او را به عضویت نیروی دریایی آمریکا پذیرفتند تا فعالیت‌های تبلیغی را به اوج برسانند!

# مشوق‌های امیرکبیر برای حمایت از «فرزندآوری»

## میرزا تقی‌خان افزون بر تمهیدات بهداشتی برای تقویت جمعیت کشور، تسهیلات ویژه‌ای برای خانواده‌های پرجمعیت در نظر می گرفت

**جواد نوائیان رودسری**– یکی از مهم‌ترین عوامل رشد همه‌جانبه کشور، وجود نیروی انسانی کافی در زمینه‌های مختلف است. از این‌رو، کاهش جمعیت می‌تواند آسیب سختی به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یک مملکت وارد کند. سرمایه انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و ترقی در جوامع مختلف بشری است؛ به شرط آن که مدیریت صحیح بتواند استعدادها را کشف و در مسیر درست هدایت کند. یکی از دغدغه‌های همیشگی امیرکبیر، پایین‌بودن نرخ رشد جمعیت در ایران، به واسطه عوامل مختلف بود. نفوس ایران، به دلیل درگیری با مصائب متعدد، سطح پایینی داشت و به ویژه بعد از شکست ایران در جنگ با روسیه تزاری، بخش زیادی از جمعیت کشور از دست رفته بود. تقویت نظامی ایران و نیز، راه‌انداختن چرخ اقتصاد و صنعت کشور، بدون وجود نیروی کار امکان نداشت و این مسئله با توجه به نرخ پایین رشد جمعیت ایران در آن زمان، در حال تبدیل‌شدن به یک بحران تمام‌عیار بود. امیر برای ترقی نرخ رشد جمعیت و افزایش نفوس ایران، تمهیداتی اندیشید که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

### حمایت از فرزندآوری

امیر مردم را به داشتن فرزندان بیشتر تشویق می‌کرد. او در میان کارکنان دولتی، افرادی را که دارای فرزند بیشتر بودند، برای دریافت مواجب و کمک‌های بیشتر، ارجح می‌دانست. وی در سطح جامعه نیز، خانواده‌های پرجمعیت، اما فقیر را زیرپوشش می‌گرفت و سرمایه‌داران را به حمایت از آن‌ها وامی‌داشت. در گزارشی از کارمندان سفارت انگلیس در تهران، آمده‌است که امیرکبیر، بسیاری از ثروتمندان جامعه را مسئول رسیدگی به وضعیت خانواده‌های پرجمعیت و فقیر کرده بود. او تجار و صنعتگران را به استخدام افرادی که دارای فرزند بیشتر بودند، تشویق می کرد و تأکید داشت که فرزندان این افراد نیز، می‌توانند در آینده راه پدران خود را ادامه دهند و به توسعه صنعت و هنر صاحبان کسب، کمک کنند؛ اما در واقع، امیر به تربیت بیشتر نیروی متخصص در کشور می‌اندیشید. طرح وی برای مبارزه با فقر و حمایت از کسانی که به تکدی‌گری رو آورده بودند، با محوریت خانواده‌های پرجمعیت آغاز شد؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۳۲، گزارشی از این اقدام امیر را منتشر کرده‌است. افرادی که برای کار در قورخانه برگزیده می‌شدند، در صورت داشتن فرزند بیشتر، از اولویت برخوردار بودند. امیر در مورد خانواده‌های پرجمعیت و معیشت آن‌ها، بسیار حساس بود. گام مؤثری که وی برای رفع دغدغه معیشت آن‌ها برداشت، ایجاد شغل و تثبیت و ضعیت اقتصادی بود. امیر در تسهیل فعالیت سرمایه‌گذاران در فضای کسب و کار، اصرار فراوانی داشت؛ بر همین اساس، کسانی که در برخی رشته‌های جدید، مانند معدن، سرمایه‌گذاری می کردند، از معافیت مالیاتی برخوردار می‌شدند. برنامه اصلی این بود که مردان عیالوار و متأهل، کمتر بدون شغل بمانند و این از مسئولیت‌های والیان بود که با ایجاد رونق اقتصادی، فضا را برای ایجاد شغل فراهم کنند؛ طبیعی بود که در چنین وضعیتی، اقبال به تشکیل خانواده بیشتر می‌شد و فرزندآوری افزایش می‌یافت. گزارش‌هایی که فریدون آدمیت در کتاب «امیرکبیر و ایران» ارائه کرده‌است، نشان می‌دهد که امیر در پی توسعه فضای کسب و کار در کنار توسعه جمعیت و تقویت فرزندآوری و حفظ نفوس کشور بوده‌است.

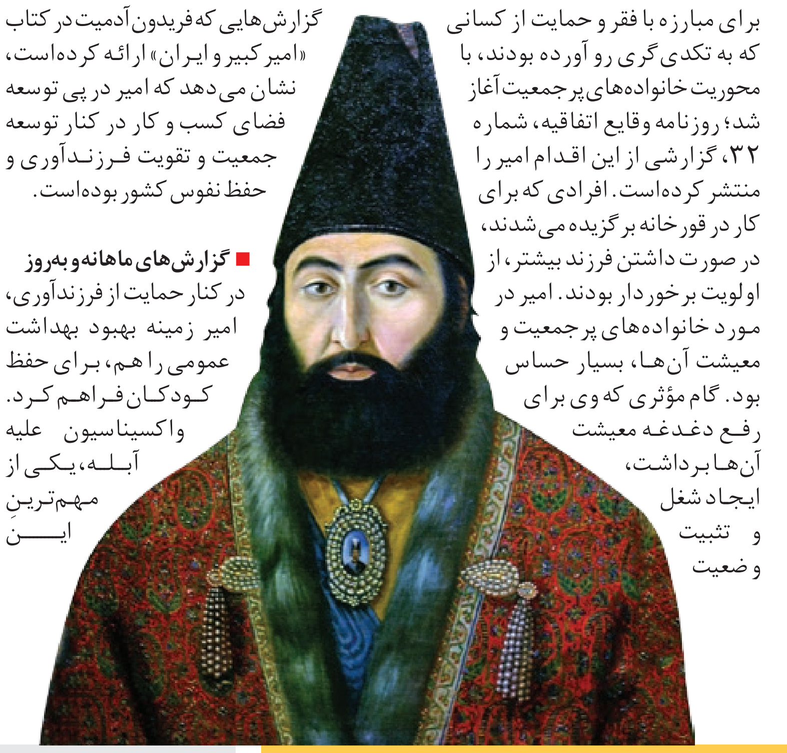

### گزارش‌های ماهانه و به‌روز

در کنار حمایت از فرزندآوری، امیر زمینه بهبود بهداشت عمومی را هم، برای حفظ کودکان فراهم کرد. واکسیناسیون علیه آبله، یکی از مهم‌ترینِ این اقدامات بود و باعث جلوگیری از مرگ‌ومیر کودکان شد. میرزا تقی‌خان، درخصوص سلامت فرزندان این آب و خاک، حساسیتی فراوان داشت و در بازدیدهایش از مناطق مختلف پایتخت، پرجمعیت‌بودن خانواده‌ها را نشانه‌ای از آینده پربار می‌دانست. اعتضادالسلطنه گزارش داده‌است که امیرکبیر در سفر اصفهان، نسبت به خانواده‌هایی که به دلیل ابتلا به آبله فرزندان خود را از دست داده‌بودند، به شدت واکنش نشان داد و آن‌ها را جریمه کرد. اعتضادالسلطنه می‌نویسد که از باب «آرام‌کردن» اوضاع، به امیر گفته‌است: «این مطلبی نیست که این‌قدر شما را مشتعل کند!» ولی امیر در پاسخ به وی، با عتاب گفته بود: «شاهزاده! تعجب دارم که دو نفر از نفوس این مملکت بی‌جهت تلف شده‌اند و به شما تأثیر نکرده است!» دکتر «پلاک» اتریشی می‌نویسد: «چون امیر به افزایش جمعیت کشور علاقه‌مند بود، علیه بیماری آبله کارها کرد؛ آبله‌کوبی را در سراسر ایران مرسوم ساخت.» قانون آبله‌کوبی، همگانی و اجباری بود. اما تنها وظیفه آبله‌کوب‌ها، واکسن‌زدن به اطفال نبود. آن‌ها موظف بودند درباره وضعیت خانواده‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی آن‌ها نیز، گزارش‌های منظمی برای امیرکبیر ارسال کنند و همین گزارش‌ها می‌توانست نقش مهمی در تنظیم برنامه‌های دولت برای افزایش فرزندآوری و حفظ نفوس ایران داشته باشد. به این ترتیب، شبکه‌ای گسترده در تمام ایران، وظیفه هدایت این طرح را در کنار ده‌ها طرح مشابه و غیر آن، برعهده داشت.

قاب تاریخ

## مقبره سعدی؛ ساخت کریم‌خان زند!

نخستین بنایی که بر فراز مقبره سعدی، شاعر بلندآوازه پارسی گوی ساخته شد، در زمان اباقاخان ایلخانی و توسط شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوانی، وزیر مشهور وی بود. ابن‌بطوطه که حدود ۵۰ سال پس از درگذشت شاعر شیرین‌سخن ما، در سال ۷۲۰ خورشیدی، از آرامگاه وی بازدید کرده است، حوضی مرمرین را در وسط صحن آرامگاه توصیف می کند که مردم برای گرفتن وضو از آن استفاده می کردند. مشهور است که آرامگاه سعدی، خلوتگاه وی در سال‌های پایان عمر بود. این بنا ظاهراً تا سال ۹۹۶ هـ.ق به همان شکل باقی ماند تا این که یعقوب‌خان ذوالقدر، حاکم فارس و از متحدان شاه‌عباس صفوی که در نهایت بر او شورید و معدوم شد، به دلایل نامعلومی دستور داد مقبره شیخ اجل را ویران و با خاک یکسان کنند. پس از مرگ یعقوب، بنایی ساده و محقر بر فراز آرامگاه سعدی ساختند که تا سال ۱۱۸۷ باقی بود. در این سال، به دستور کریم‌خان زند، بنایی آبرومند از آجر بر فراز مقبره برافراشتند و آن را با گچ کاری‌های بسیار زیبا، تزیین کردند. آن‌چه در قاب تاریخ امروز مشاهده می کنید، نگاره‌ای از بنای کریم‌خان بر مقبره سعدی است که توسط اوژن فلاندن، نقاش و دیپلمات فرانسوی، کشیده شده‌است.

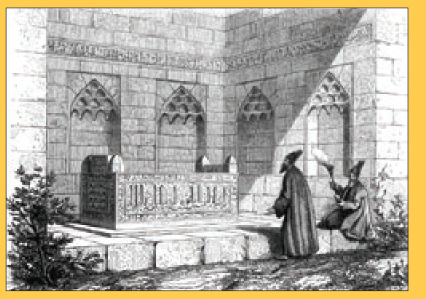

اندر احوالات قبله عالم

## پرواز شکارهای پدرسوخته!

**شنبه، ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۰۶ ***– صبح برخاستیم، هوا صاف و آفتاب بود. رخت پوشیده، سوار شدیم. عزیزالسلطان هم تهیه سواری می‌دید که سوار بشود. ما زودتر راه افتادیم برای شکار. ابوالحسن‌خان واکبری را فرستاده بودیم برای پیدا کردن شکار. یک دفعه یکی داد زد: های شکار! من دیدم یک دسته شکار ریخت. اما وقتی ما تفنگ انداختیم، شکارها گریختند. سوار شدیم به دنبال آن‌ها. اکبری هم از آن‌سو می‌آمد. شکارهای پدرسوخته انگار پرواز می‌کردند! مثل پرنده از جلوی ما گذشتند و رفتند بالای کوه. من پیاده شدم دو تیر انداختم. خیلی دور بود، نخورد. شکارها گریختند. عزالدوله را فرستادیم بالای کوه که اگر شکار دید رم بدهد به طرف ما. اما صدای تفنگی نیامد و از شکار مِکار خبری نبود! حسابی خسته شِدیم. برگشتیم برای ناهار، اما اوقاتمان تلخ شده بود. شکارهای عجیبی بودند.

*۱۸ آذر ۱۲۶۷

گزارش تاریخی

## رازهای خانواده عریض و طویل «هدایت»

مطالعه روی شجره‌نامه‌ها، یکی از مهم‌ترین رویکردهای پژوهشی، برای شناخت و درک بهتر از وقایع یک دوره تاریخی است. ارتباطات فامیلی در ساختارهای قدرت، معمولاً زمینه‌ساز ایجاد یک طبقه خاص می‌شود که به صورت پیدا و پنهان، از عوامل خود برای کسب مقامات مهم و معتبر حمایت می کند. خانواده رضاقلی‌خان هدایت، نمونه‌ای جالب و قابل بررسی در این زمینه است. وی که اصالتاً از اشراف مازندران بود، به واسطه پدرش، خط و ربطی در دربار قاجار یافت و بعدها در دوره محمدشاه، به سمت لَله‌باشی عباس‌میرزای دوم مشهور به «مُلک‌آرا» منصوب شد و به‌تدریج مراتب ترقی را طی کرد. رضاقلی‌خان مردی اهل علم بود و شعر هم می‌سرود؛ اما در سیاست، مهارتی به‌مراتب بیشتر داشت و در آنِ واحد، با همه طرف‌های درگیر در محاربات سِیاسی، ارتباط برقرار و ساخت و پاخت می کرد. پسران او علی‌قلی‌خان مخبرالدوله و جعفرقلی‌خان نیرالملک هم، در این زمینه، دست کمی از پدر نداشتند. به این ترتیب، خانواده «هدایت»، در ساختار حکومت ایران، نفوذی تمام یافت و تا یک قرن بعد، این نفوذ را حفظ کرد. فرزندان علی‌قلی‌خان، یعنی نوه‌های رضاقلی‌خان هدایت، عبارت بودند از زیبنده‌خانم، مرتضی‌قلی‌خان صنیع‌الدوله، محمدقلی‌خان مخبرالملک، حسینقلی‌خان مخبرالدوله و مهدی‌قلی‌خان مخبرالسلطنه هدایت. دختر علی‌قلی‌خان، با سعدالملک ازدواج کرد که در دوره مشروطه، مدتی نخست‌وزیر ایران بود؛ صنیع‌الدوله اولین رئیس مجلس ایران شد؛ مهدی‌قلی‌خان هم در دوره قاجار و هم پهلوی، مدت‌ها نخست‌وزیر و وزیر بود و مخبرالملک و مخبرالدوله هم، در زمان حیاتشان، وزیر بودند. فرزندان پسر دیگر رضاقلی‌خان هدایت، یعنی جعفرقلی‌خان نیرالملک نیز، به همین شکل؛ هدایت‌قلی‌خان اعتضادالملک، امیرلشکر کریم هدایت و رضاقلی‌خان نیرالملک، هرکدام صاحب منصب و مقام‌های عالی شدند. جالب است بدانید که زیورالملوک هدایت، دختر حسینقلی‌خان مخبرالدوله با پسر عمویش هدایت‌قلی‌خان اعتضادالملک ازدواج کرد که نتیجه این پیوند، تولد «صادق هدایت» نویسنده مشهور بود! انورالملوک، فرزند دیگر حاصل این ازدواج هم، با سپهبد حاجیعلی رزم‌آرا ازدواج کرد و به این ترتیب، رزم‌آرا توانست با یکی از خانواده‌های پرنفوذ دوران خود، اتصال و ربط پیدا کند. تردیدی نیست که این پیوندهای خانوادگی، راه را برای صعود اعضا فراهم می کرد و سبب‌ساز موفقیت هایی می شد که در چشم افراد ناآگاه از روابط پنهان خانوادگی، عجیب و شگفت به نظر می‌رسید.

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰ layout@khorasannews.com

۳۷۰۱۰
پذیرش تلفنی آگهی با پیک رایگان

آگهی مزایده اموال غیرمنقول کلاسه ۹۲۰۴۰۰۶۰۹۱۰۰۰۵۰۲ ( بایگانی ۹۳۰۰۰۲۰ )
[illegible]

آگهی مزایده مال غیرمنقول پرونده کلاسه ۹۸۰۷۲۹۸
[illegible]

آگهی مزایده اموال منقول پرونده اجرائی کلاسه ۹۹۰۰۰۹۵
[illegible]

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد ذمه)
[illegible]

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه: ۹۹۰۰۰۶۵ – بدینوسیله به شرکت تعاونی تولیدی کاکتوس به ش ملی ۱۷۷۹ و آقای ابراهیم مهر آبادی فرزند حسن به ش.ش ۸ بدهکار پرونده کلاسه فوق که برابر گزارش مامور شناخته نگردیده اید ابلاغ می گردد که برابر سند رهنی ۱۰۶۰۷۹ بین شما و بانک ملت بازار مبلغ ۷۱۰/۵۹۲/۸۲۵ ریال لازم الاجرا به انضمام دیرکرد روزانه تا روز وصول بدهکار می باشید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواست صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و به کلاسه فوق در این اجرا مطرح می باشد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه منتشر می گردد. ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.
مسئول واحد اجرای اسناد رسمی نیشابور زهره مهدیانی
مدیر اجرا واحد اجرای اسناد رسمی نیشابور– علی امینی
۹۹۰۳۰۷۱/م

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک بجنورد مورد رسیدگی و تأیید قرارگرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می گردد: بخش دو بجنورد پلاک ۱۶۹– اصلی اراضی صدرآباد۱– ششدانگ یک باب ساختمان از پلاک ۱۳۵ فرعی از ۱۶۹ اصلی فوق به مساحت ۲۰۷/۰۸ مترمربع ابتیاعی آقای ابوالفضل جمالی از محل مالکیت رسمی شهرداری بجنورد برابر رأی شماره ۱۲۵۴–۹۹ مورخه ۱۳۹۹/۰۴/۲۸– کلاسه ۱۵۵–۰–۹۷ لذا بدین وسیله به فروشندگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود. ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار نوبت اول ۱۳۹۹/۰۵/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰
۱۷۱۲/م الف
علیخان نادری– رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد
۹۹۰۳۰۷۵۹/و